

رابطه بین اندازه شرکتها و هزینه های سیاسی

دکتر احمد یعقوب‌نژاد^۱

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۹/۱۰

نعمت‌اله جوادی^۲

چکیده

در این تحقیق ارتباط بین اندازه شرکتها و هزینه های سیاسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار گرفته است. اندازه شرکتها بر اساس میانگین دارایی های سه ساله ۱۳۸۵، ۱۳۸۴، ۱۳۸۶ و میانگین شرکت سال محاسبه شده است. بر اساس ادبیات موجود در تحقیقات گذشته، هزینه های سیاسی مجموع هزینه های مالیات، بیمه، کمک های بلاعوض، هزینه های نگهداری از محیط زیست و کمک به فعالیت های ورزشی در نظر گرفته شده است.

مطالعه ارتباط بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکتها می تواند مدیران را در تدوین برنامه های بلند مدت شرکتها کمک نماید. نتایج بدست آمده نشان می دهد که بین اندازه شرکتها و هزینه های سیاسی ارتباط معنی داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: هزینه های سیاسی، اندازه شرکتها، دارایی های شرکتها

۱- استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول و طرف مکاتبه)

Yaghoob_acc@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران nemat.javadi@yahoo.com

۱- مقدمه

بر اساس فرضیه هزینه های سیاسی که توسط واتس و زیمر من ارائه گردید ، سیاستمداران این قدرت را دارند تا با استفاده از سیاست های توزیع درباره ثروت ، منابع شرکتها را تحت تاثیر قرار دهند. همچنین یکی از عوامل اصلی و موثر بر ثروت مدیران ، پاداش های نقدی می باشد. دگرگونی ها در جریان نقدی می تواند بوسیله مالیات ، مقررات ویژه و اطلاعات مربوط به هزینه های سیاسی تحت تاثیر قرار گیرد. بنابراین مدیران مجبورند قوانین و مقرراتی را که روی آنها تاثیر می گذارند در نظر بگیرند و در صورت امکان آنها را کنترل نمایند .

بر اساس فرضیه هزینه های سیاسی هرچه اندازه شرکتها بزرگتر باشد ، مدیران آن شرکتها تمایل دارند درآمد گزارش شده را از دوره های فعلی به دوره های آتی انتقال دهند تا هزینه های سیاسی راکه به علت قرار گرفتن شرکت در دید سیاسی، بر آنها تحمیل می شود ، کاهش دهند.

با پژوهش های واتس و زیمرمن درباره رابطه بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکتها ، این فرضیه که شرکت های بزرگتر هزینه های سیاسی بیشتری را متحمل می شوند رد نشده است. واتس و زیمرمن در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نرخ مالیات در طول زمان و بین همه شرکتها و صنایع یکسان نیست (دیگن - ۲۰۰۳)

این تحقیق نیز به این موضوع می پردازد که آیا بین هزینه های سیاسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و اندازه شرکتها ارتباطی وجود دارد یا خیر؟ این مطالعه می تواند شناخت مدیران و اهمیت هزینه های سیاسی را برای آنها مشخص نماید .

۲- پیشینه تحقیق

واتس و زیمرمن^۱ در سال ۱۹۷۸ رابطه بین نرخ مالیات بر درآمد شرکتها را با اندازه شرکت مورد مطالعه قرار دادند عنوان پژوهش آنها عبارت بود از « بررسی رابطه بین نرخ مالیات بر درآمد شرکتها و هزینه های سیاسی » آنها به این نتیجه رسیدند که « ارتباط بین اندازه شرکت و نرخ مالیات در طول زمان و میان همه صنایع یکسان نیست. » (زیمرمن ۱۹۸۶)

دیگن و هالام در سال ۱۹۹۱ طی مطالعاتی، نشان دادند، شرکت‌هایی که دارای سهم بیشتری از بازار مربوط به صنعت خود هستند به احتمال خیلی زیاد هزینه سیاسی بیشتری خواهند داشت. فرضیه تحقیق به این صورت مطرح شد: « شرکت‌هایی که دارای سهم بیشتری از بازار مربوط به صنعت خود می باشند هزینه های سیاسی بیشتری متحمل می شوند » در این مطالعه سهم بازار بر اساس جمع کل دارایی ها محاسبه شد. نتایج بدست آمده از تحقیق آ فرضیه فوق را تایید نمود (دیگن - ۲۰۰۳).

در پژوهش دیگری که توسط یانچا پاکسان و مک کینون در سال ۱۹۹۳ در استرالیا صورت گرفت از معیارهای دیگری برای اندازه شرکت استفاده شد. این معیارها عبارت بودند از " سهم بازار صنعت مورد عضویت، بازده سرمایه گذاری، تعداد کارکنان، تعداد سهامداران، گزارشگری مسئولیت اجتماعی و میزان پوشش خبری " به طور خلاصه فرضیه این تحقیق عبارت بود از: « ارتباط سهم بازار، تعداد کارکنان، تعداد سهامداران، گزارشگری مسئولیت اجتماعی و میزان پوشش خبری و میزان هزینه های سیاسی » نتایج بدست آمده نشان داد که « اندازه شرکت، سهم بازار، تعداد کارکنان، تعداد سهامداران، گزارشگری مسئولیت اجتماعی و میزان پوشش خبری، اثر مشابهی بر هزینه های سیاسی دارند (پور حیدری و همتی - ۱۳۸۳).

تحقیق انجام شده دیگر توسط داریوغ و همکارانش در سال ۱۹۹۸ در زمینه ارتباط بین تعداد کارکنان و فشار های سیاسی صورت گرفت. نتایج نشان می دهد شرکت‌هایی که از کارکنان بیشتری برخوردار باشند فشارهای سیاسی وارده بر آنها نیز بیشتر خواهد بود در نتیجه مدیریت این نوع واحدها جهت کاهش فشار وارده اقدام به کاهش سود می نمایند فشار های وارده به طور عمده از سوی شورا های کارگری می باشد که خواهان حقوق و مزایا و امکانات بیشتری برای کارگران می باشند در این راستا مدیران اقدام به کاهش سود برای افزایش قدرت چانه زنی خود با شورا های کارگری می کنند همچنین نتایج بدست آمده نشان می دهد که بین میزان پاداش و دستکاری سود ارتباط وجود ندارد (داریوغ - ۱۹۹۸).

در مطالعه گود فری و جونز در سال ۱۹۹۹ به عنوان اثرات هزینه های سیاسی بر هموارسازی سود از مبنای سهم بازار استفاده گردیده است. فرضیه این تحقیق عبارت بود

از اینکه «آیا هزینه های سیاسی بر هموارسازی سود تاثیری دارد یا خیر؟» نتایج بدست آمده نشان می دهد «شرکتهایی که در بخش بانکداری، مالی، تحقیقاتی، بنیادی و خدمات شهری فعالیت می نمایند هزینه های سیاسی بیشتری را نیز تحمل می شوند.»

۲-۱- تعریف هزینه های سیاسی

هزینه های سیاسی هزینه هایی هستند که برای تداوم فعالیت و حیات موسسه تجاری بنا به الزامات قانونی و عرفی و محیط اقتصادی ضروری می باشد این قبیل هزینه ها یا به واسطه اعمال قانونی و مصوبات قانونی و یا از طریق فشارهای سیاسی به شرکتهای تحمیل می شود. از این قبیل هزینه های سیاسی می توان به مالیات، بیمه بازنشستگی، هزینه های ناشی از کمک های بلاعوض به اشخاص و ارگانها و نهادها، کمک به ورزش، حقوق گمرکی صادرات، هزینه حفظ محیط زیست، هزینه توسعه فضاهای آموزشی، پرداختی به اتحادیه های کارگری و سایر مراجع رسمی و غیر رسمی اشاره کرد. (پور حیدری، ۱۳۸۳)

تعریف دیگری نیز برای هزینه های سیاسی ارائه شده است که به شرح زیر می باشد:

سیاستمداران و مشتریان، اغلب مواقع از اطلاعات حسابداری جهت مقایسه تلاش های بعمل آمده برای تخصیص دوباره منابع بین خودشان به عنوان هزینه شرکت استفاده می نمایند این تخصیص دوباره ممکن است توسط قوانین و مقررات دولتی (نرخ های مالیاتی، مالیات بر صادرات و واردات، حقوق و عوارض گمرکی، حق حفاظت از اموال و دارایی های شرکت) یا بوسیله گروههای متولی دولت و قانون گذاران مثل اتحادیه های کارگری ایجاد گردند. بنابراین هرگونه تلاش پیروز برای توزیع دوباره منابع شرکتهای به خارج شرکتهای به عنوان هزینه های سیاسی شناخته می شود (زیمرمن - ۱۹۸۶).

۲-۲- مالیات ها

مالیات که یکی از اقلام با اهمیت و اساسی و همچنین جزئی از هزینه های سیاسی می باشد و به عنوان هزینه های سیاسی اجباری در نظر گرفته می شود.

۳-۲- هزینه های محیط زیست

یکی دیگر از هزینه های سیاسی اجباری، هزینه های مربوط به ملاحظات محیط زیست است و این هزینه نیز در تحقیقات واتس و زیمرمن همانند مالیات جزئی از هزینه های سیاسی در نظر گرفته شده است.

دولتها برای جلوگیری از انحطاط محیط زیست در جستجوی راه حل های جدید می باشند. واضح است که حفاظت محیط زیست به یک سیستم مدیریتی مستقل نیاز دارد. سیستم اطلاعات حسابداری نیز به عنوان یکی از بخش های مهم سیستم اطلاعات مدیریت می تواند نقش به سزایی در ارائه ی اطلاعات زیست محیطی ایفا نماید.

یکی از هزینه هایی که برخی از شرکتها گاه بصورت اجباری و در برخی از موارد بصورت اختیاری پرداخت می نمایند کمک هایی است که برای حفاظت از محیط زیست پرداخت می شود در بسیاری از کشورها برای جلوگیری از، از بین رفتن محیط زیست بسیاری از شرکتها را بر طبق قوانین و مقررات ملزم به متحمل شدن هزینه هایی از این بابت می نمایند که در تحقیقات واتس و زیمرمن این نوع هزینه ها که براساس قوانین بر شرکت تحمیل می شود، جزئی از هزینه های سیاسی محسوب می شود (سجادی، ۱۳۸۶).

۴-۲- هزینه بیمه بازنشستگی

بر اساس قانون کار و همچنین فشارهای وارده از طرف اتحادیه های کارگری شرکتها موظفند کارکنان خود را بیمه کنند و همچنین بر اساس قانون کار باید ۲۳ درصد هزینه بیمه را شرکت پرداخت نماید بنابراین می توان گفت که این هزینه یک نوع هزینه ای است که بر اساس قوانین بر شرکت تحمیل شده و شرکت نیز برای تداوم فعالیت باید آن را پرداخت نماید پس می توان هزینه بیمه را یک نوع هزینه سیاسی تلقی کرد.

۵-۲- هزینه عوارض گمرکی

بر اساس قوانین کشورهای مختلف درصد های مختلفی را به عنوان عوارض گمرکی از شرکتها جهت انجام عملیات تجاری خارجی دریافت می نمایند این مبالغ نوعی هزینه برای شرکتها به حساب می آید. هزینه عوارض گمرکی نوعی هزینه سیاسی اجباری تلقی

می‌گردد زیرا شرکتها برای انجام عملیات عادی خود مانند خرید مواد اولیه و یا فروش محصول و یا تهیه قطعات و لوازم یدکی خود ناچار به پرداخت آن می‌باشند.

۶-۲- هزینه های کمک به ورزش و کمک به ایجاد فضا های آموزشی

این نوع هزینه ها معمولاً اختیاری بوده و بر اساس قوانین و مقررات بر شرکت تحمیل نمی‌شود در بعضی از موارد این نوع هزینه ها به علت تصمیمات مدیران برای شرکت ایجاد می‌گردد برای مثال هزینه کمک به ورزش نوعی هزینه اختیاری بوده و هیچ قوانینی شرکت را ملزم به پرداخت آن، نمی‌نماید اما مدیر شرکت به علت کمک و یا طرفداری از یک تیم ورزشی، این نوع هزینه را پرداخت می‌نماید و همچنین هزینه ی کمک به توسعه و یا ایجاد فضاهای آموزشی نیز از این نوع هزینه ها می‌باشند.

۷-۲- حسابداری و فرآیند سیاسی

مزایای اطلاعات حاصل از فرآیندهای سیاسی به دلیل هزینه‌های اطلاعات، عدم وجود بازار موثر برای سرمایه‌ای کردن جریان‌های آتی ناشی از آن و نیز هزینه‌های معاملات، به طور کامل نمی‌تواند در اختیار گرفته شود.

رای‌دهندگان به صورت انفرادی انگیزه کمی برای رای دادن دارند، زیرا آنها احتمال می‌دهند که رایشان نادیده گرفته شود و نیز ارزش مثبتی برای خدمات حذف شده قائلند. به علاوه خریدن رای غیرقانونی است و انگیزه‌هایی برای سیاستمداران برای افشا وجود دارد و بنابراین خرید رای هزینه دارد. معامله زمین نیز نسبت به مبادله اوراق بهادار هزینه بیشتری دارد.

در بازار سهامداری که مالک بخش کوچکی از شرکت می‌باشند، انگیزه کمی برای نظارت بر مدیران شرکت دارند و در فرآیند سیاسی نیز افراد رای‌دهنده انگیزه کمی برای نظارت بر ماموران دولتی و نمایندگانشان دارند، اما این فرضیه وجود دارد که این دو فرآیند از لحاظ هزینه متمرکز کردن منافع حاصل از نظارت اضافی نیز متفاوت می‌باشند. طبق فرضیه، هزینه‌های متمرکز کردن منافع حاصل از کاهش مصلحت‌اندیشی (سهل‌انگاری) مدیریت، در فرآیند بازار نسبت به فرآیند سیاسی کمتر است. باید توجه

داشت که تفاوت بین فرآیند سیاسی و بازار ناشی از تفاوت در هزینه های معاملات و تمرکز حقوق مالکیت برای بهبود نظارت است. اگر هزینه ها در هر دو فرآیند مساوی و مثبت باشد، افراد انگیزه های مشابه برای جمع آوری اطلاعات در هر دو فرآیند دارند. تحقیقات حسابداری تا این تاریخ فرض کرده است که هزینه های معاملات در فرآیند سیاسی به طور هنگفتی بیشتر از فرآیند بازار می باشد. بنابراین افراد رای دهنده انگیزه کمتری برای کسب اطلاعات دارند.

در تئوری های اقتصادی مربوط به فرآیند سیاسی فرض شده است که سیاستمداران به دنبال حداکثر کردن ثروت خود می باشند بر اساس این فرضیه فرآیند سیاسی رقابت برای انتقال ثروت می باشد. مالیاتها و مقررات از طریق خدمات دولتی، یارانه ها، تعرفه ها و غیره باعث جابجایی ثروت می شود. مشارکت در فرآیند سیاسی بدون هزینه نیست و مستلزم تقبل هزینه های کسب اطلاعات است شرکتها نیز در یک محیط سیاسی فعالیت می کنند و الزاماً هزینه هایی را از طریق فرآیند مالی متحمل می شوند. در نتیجه شرکتها برای ادامه دادن فعالیت خود به اجبار می بایست با مقامات مسئول مذاکره کنند و آنها را برای تداوم فعالیت خویش توجیه نماید. حتی شرکتها به منظور استفاده از مزایای قانون گذاری در فعالیت های سیاسی انتخاباتی مشارکت می کنند و این کار برای آنها هزینه دارد (مارکس - ۲۰۰۱)۶.

۸-۲- ماهیت فرآیند سیاسی

فرآیند سیاسی باعث می شود، شرکت هایی که حساسیت سیاسی دارند، روش هایی را انتخاب کنند که سود را به تعویق اندازد. به هر حال، احتمال دارد که فرآیند سیاسی انگیزه هایی برای کاهش واریانس تغییرات سود گزارش شده به وجود آورد. واریانس از این لحاظ مهم است که احتمال می رود مقررات دولتی در دوره هایی وضع شود که سود زیاد است و در دوره های بعد که سود پایین تر است توجهی به آن صورت نگیرد. این عدم تقارن با هزینه های اطلاعات سازگار است. رسانه ها اغلب درصد افزایش را در مقایسه با دوره مشابه سال قبل محاسبه می کنند.

استفاده از ارقام حسابداری به این شکل باعث می‌شود، مدیران برای کاهش واریانس سود گزارش شده تلاش کنند. معمولاً افزایش‌ها و درصدهای مثبت بالا جلب توجه می‌کند و به عنوان شاهدهی بر وجود بحران یا انحصارگرایی به کار می‌رود.^۶

در فرآیند سیاسی دو نظریه مطرح است که طبق یک نظریه مطرح شده، فرآیند سیاسی روشی برای مقابله با ضعف‌های شناخته شده در بازار است (حمایت از منافع عامه) و نظر دیگر این است که در فرآیند سیاسی همانند بازار، منفعت شخصی مطرح است و فرآیند سیاسی، میدانی برای کسب ثروت می‌باشد (سولومنز-۱۹۷۸).^۷

۹-۲- تاثیر فرآیندهای سیاسی بر روش‌های حسابداری

در این بخش نظریه‌های اقتصادی فرآیند سیاسی در حسابداری مورد استفاده قرار گرفته و بسط و توسعه یافته است. مخصوصاً، اگر ارقام حسابداری (مثلاً سود) در فرآیند سیاسی برای حمایت از وضع مقررات دولتی (مثلاً مالیات بر سودهای بادآورده) یا در اداره مقررات موجود (برای مثال قیمت‌گذاری کالا و خدمات عمومی) به کار رود، چه انگیزه‌هایی برای مدیران در انتخاب روش‌های حسابداری به وجود خواهد آمد؟ در این بخش بعضی از انگیزه‌های انتخاب روش‌ها است که در نتیجه فرآیند سیاسی ایجاد می‌شود.

استفاده سیاستمداران و قانون‌گذاران از ارقام سود، این فرضیه را مطرح کرده است که مدیران شرکت‌ها انگیزه دارند که از آن گروه روش‌های حسابداری (مثل روش استهلاک تسریعی) استفاده کنند که سود گزارش شده را کاهش می‌دهد. سود گزارش شده پایین، تر احتمال اقدامات مخالف از سوی دولت را کاهش و احتمال برقراری پارانه‌های دولتی را افزایش می‌دهد، اگر سیاستمداران و قانون‌گذاران ارقام سود را بابت انتخاب روش‌های حسابداری کاهنده سود توسط مدیریت، تعدیل نکنند، تا زمانی که بی‌اثر کردن انتخاب روش‌های حسابداری برای اشخاص ثالث هزینه داشته باشد، مدیریت انگیزه دارد روش‌های کاهنده سود را در سال جاری انتخاب کند.

سیاستمداران سعی می‌کنند تورم را از طریق برنامه‌ها و قوانین مختلف حل کنند (برای مثال کنترل قیمت‌ها و دستمزدها، کنترل قیمت مواد سوختی، محدودیت واردات و

سیاست‌های مالی و پولی). بعضی از این برنامه‌های دولتی از ارقام حسابداری استفاده می‌کنند.

برای مثال در سال ۱۹۷۸ دستورالعمل ۱۲۰۹۲ صادر شد. هدف این دستورالعمل کاهش تورم از طریق نظارت بر قیمت قراردادهای دولتی بود. به هر حال شرکت‌هایی که سود آنها افزایش نیافته بود مشمول این دستورالعمل نبودند. این موضوع نمونه دیگری است که چگونه فرآیند سیاسی انگیزه‌هایی را برای مدیران جهت انتخاب روش‌های حسابداری کاهنده سود، به وجود می‌آورد. (ارنولد - ۱۹۹۰)^۱

فرضیه اندازه

با ثابت بودن سایر شرایط، به احتمال زیاد مدیران شرکت‌های بزرگ‌تر روش‌های حسابداری را انتخاب می‌کنند که سود را از دوره جاری به دوره‌های بعد منتقل کنند. فرضیه اندازه بر مبنای این فرض است که شرکت‌های بزرگ از نظر سیاسی حساس‌تر می‌باشند و انتقال ثروت آنها (هزینه‌های سیاسی) در مقایسه با شرکت‌های کوچک‌تر نسبتاً بیشتر است. زیمرمن (۱۹۸۳) این فرض را مورد آزمون قرار داد. مستقیم‌ترین روش برای انتقال دارایی‌های شرکت‌ها از طریق سیستم مالیات است و مالیات بر درآمد یک جز از هزینه‌های سیاسی است که توسط شرکت تحمل می‌شود (واتس و زیمرمن - ۱۹۸۶).

زیمرمن (۱۹۸۳) ارتباط تجربی بین نرخ‌های مالیاتی و اندازه شرکت را بررسی کرد. اجزای غیرمالیاتی هزینه سیاسی و نیز منافع سیاسی (قراردادهای دولتی سودآور، محدودیت واردات و غیره) که ممکن است تاثیر مخالف یا خنثی‌کننده داشته باشد، در این بررسی در نظر گرفته نشد.

فروش به عنوان معیار اندازه شرکت انتخاب شد. زیمرمن شواهدی یافت که شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر نرخ مالیاتی بالاتری دارند، اما این ارتباط طی زمان و بین صنایع مختلف متفاوت بود و این بیانگر این است که اندازه شرکت نماینده خوبی برای هزینه‌های سیاسی نمی‌باشد. زیمرمن اطلاعات صورت‌های مالی و اطلاعات اظهارنامه‌های مالیاتی را تحلیل کرد تا مطمئن شود که ارتباط مشاهده شده ناشی از ویژگی‌های خاص سیستم حسابداری نباشد. نتایج حاصل از هر دو مشابه بود.

استفاده از اطلاعات منتشر شده صورت‌های مالی، نرخ موثر مالیات برای هر شرکت برای سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۴۷ محاسبه شد که اطلاعات آن موجود بود. نرخ موثر مالیات به عنوان نسبت مالیات شرکت (هزینه مالیات شرکت به کسر تغییر در مالیات انتقالی به دوره آتی) به جریان‌های نقدی عملیاتی یا سود قبل از مالیات تعریف شد. انتخاب متغیر متفاوت در مخرج نتیجه را تغییر نداد (واتس و زیمر من - ۱۹۸۶).

قدم بعدی طبقه‌بندی شرکت‌ها در یکی از پرتفوی‌های «بزرگ» یا «سایر» بود. بزرگ‌ترین ۵۰ شرکت به عنوان «بزرگ» و سایر شرکت‌ها به عنوان سایر طبقه‌بندی شدند. نرخ مالیات در هر یک از این دو پرتفوی برای هر سال محاسبه شد. میانگین‌ها تا دهه ۱۹۷۰ تفاوتی نداشتند. نرخ‌های مالیاتی از زمان جنگ کره برای هر دو گروه کاهش یافت، به جز در دهه ۱۹۷۰ که میانگین نرخ مالیات پرتفوی «بزرگ» افزایش یافت.

نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که بین اندازه شرکت و نرخ‌های مالیاتی در طی زمان یا بین صنایع، ارتباط یکنواختی وجود ندارد. اندازه شرکت (که بر حسب فروش اندازه‌گیری شده) نماینده کاملی برای حساسیت سیاسی نیست که از طریق نرخ‌های موثر مالیات اندازه‌گیری می‌شود. این یافته‌ها عنوان می‌کند که فرضیه اندازه مشکلاتی دارد. بخش بعد بعضی از این مشکلات و ارتباط آن را با نظریه اقتصادی فرآیند سیاسی بیان می‌کند.

نظریه اقتصادی فرآیند سیاسی به طور کامل تدوین نشده است. در حالی که این متون پیشرفت‌هایی را در توسعه فرضیه‌های قابل آزمون به وجود آورده، با این وجود سوالات پاسخ داده نشده و فرضیه‌های کشف نشده بسیاری وجود دارد. برای مثال، نظریه اقتصادی قادر به تبیین مساله انتقال ثروت نمی‌باشد. انتقال می‌تواند به صورت یارانه نقدی مستقیم، حمایت دولت، کسورات، اعتبارات مالیاتی یا قراردادهای دولتی صورت گیرد (بنی مهد ۱۳۸۷).

۳- اهداف پژوهش

گروه‌های سیاسی برای اثر گذار بودن بر فرایند سیاسی هزینه‌هایی را متحمل می‌شوند که می‌تواند شامل هزینه مبارزات انتخاباتی و پشتیبانی از سیاستمداران باشد که به طور

معمول بخشی از این هزینه ها را در شرکتها در فراخور زمان متحمل می گردند بنابراین آشنایی با اثر فرآیند و تصمیمات سیاسی بر جریانهای نقدی شرکتها که از منابع مهم و حیاتی هر واحد تجاری می باشند ، ضرورت ویژه ای دارد .

افزایش بهای تمام شده محصولات و خدمات شرکتها یکی از عواملی است که توان رقابتی شرکتها را کاهش می دهد یکی از هزینه های شرکتها ، هزینه های سیاسی است چنانچه بتوان این هزینه ها را مشخص و کنترل نمود این امر می تواند در افزایش توان رقابتی شرکتها در بازار های داخلی و حتی بازارهای بین المللی مفید باشد. هر چند که در این پژوهش هدف ، شناسایی این نوع هزینه ها نمی باشد ولی با شناخت پیدا کردن بر ماهیت و میزان کنترل پذیری این هزینه ها می توان میزان سودهی و توان رقابت شرکت را کنترل کرد .

نو بودن مفهوم هزینه های سیاسی در ایران و آشنایی بیشتر با این نوع هزینه ها توسط مدیران ارشد شرکتها و فعالان در بورس اوراق بهادار و متخصصین حرفه ، می تواند پایه گذار پژوهش های آتی در این زمینه باشد.

این پژوهش ، به دنبال بررسی ابعاد هزینه های سیاسی در شرکتها (بزرگ و کوچک) و مطالعه رابطه بین این هزینه ها با اندازه شرکتهاست.

۴- فرضیه های پژوهش

جهت مطالعه رابطه تعریف شده در تحقیق فرضیه های زیر مورد آزمون قرار می گیرد :

- بین هزینه های سیاسی و حجم دارایی های شرکتها همبستگی معنی داری وجود دارد.
- نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های شرکتها بزرگ تفاوت معنی داری با همین نسبت در شرکتها کوچک دارد.

۵- متغیر های تحقیق

در این تحقیق دو متغیر در نظر گرفته شده است که عبارتند از : اندازه شرکتها و هزینه های سیاسی اندازه شرکتها بر اساس میزان دارایی ها ، تعیین شده و این تحقیق

اطلاعات سه ساله ۸۶ و ۸۵ و ۸۴ را در نظر گرفته و از لگاریتم دارایی‌ها به عنوان شاخصی برای اندازه شرکتها و از نسبت هزینه‌های سیاسی به درآمد‌ها به عنوان شاخصی برای هزینه‌های سیاسی در نظر گرفته است.

۶- روش تحقیق

این تحقیق رابطه بین دو متغیر هزینه‌های سیاسی و اندازه شرکت در شرکتهای مورد مطالعه بررسی می‌نماید و از روش استقرایی قیاسی برای آن استفاده شده و روش به کار رفته در این تحقیق از نوع همبستگی جهت توصیف و داده‌های کتابخانه‌ای می‌باشد. توصیفی از آن جهت که داده‌های آماری همان صورت که جمع شده‌اند بدون هیچ تغییری توصیف می‌شوند و در روابط بین متغیرها ارزیابی می‌گردند. کتابخانه‌ای از آن جهت که اطلاعات مورد نیاز از روی اسناد و مدارک موجود در سازمان بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۷- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس اطلاعات به دست آمده در نمونه ابتدا نرمال بودن متغیرها (میانگین لگاریتم دارایی‌ها و نسبت هزینه‌های سیاسی به درآمد‌ها) مورد آزمون قرار گرفته و برای انجام تحلیل‌های آماری از یک سری متغیرهایی مانند لگاریتم دارایی‌ها برای شرکت سال و نسبت هزینه‌های سیاسی به درآمد‌ها، استفاده شده است که ابتدا با استفاده از نرم افزار Excel محاسبات مربوطه انجام شده است و برای آزمون فرضیه اول (بین اندازه شرکتها و هزینه‌های سیاسی همبستگی وجود دارد) ابتدا دارایی‌ها و هزینه‌ها و درآمد‌های ۹۹۰ شرکت سال از گزارش‌های مالی سال‌های ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ جمع‌آوری شده و بعد از دارایی‌های شرکت سالها لگاریتم گرفته شده و همچنین نسبت هزینه‌های سیاسی به درآمد‌ها نیز برای شرکت سالها محاسبه شده و در نرم افزار آماری SPSS آزمون مربوط به بررسی رابطه بین دارایی‌ها و هزینه‌های سیاسی انجام شده است. سپس از طریق میانگین لگاریتم دارایی‌ها، اندازه (بزرگی و کوچکی) شرکتها مشخص شده است که از ۹۹۰ شرکت سال تعداد ۵۲۵ شرکت سال، دارای لگاریتم دارایی‌هایی بزرگتر از میانگین دارایی

ها بوده و بنابراین به عنوان شرکت بزرگ در نظر گرفته شده و بقیه شرکتها (تعداد ۴۶۵ شرکت) به عنوان شرکت کوچک طبقه بندی شده است و سپس رابطه بین لگاریتم دارایی ها و نسبت هزینه های سیاسی به درآمدها برای شرکتهای بزرگ و کوچک به طور جداگانه مورد آزمون قرار گرفته است .

برای آزمون فرضیه دوم (بین نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های شرکتهای بزرگ تفاوت معنا داری با همین نسبت در شرکتهای کوچک دارد) ابتدا لگاریتم دارایی ها برای شرکت سالها مشخص شده و همچنین نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکت سالها محاسبه شده و سپس از طریق نرم افزار آماری SPSS نرمال بودن این متغیرها بررسی شده و پس از اطمینان از نرمال بودن توزیع این متغیرها ، تفاوت بین نسبت هزینه های سیاسی به درآمد ها در شرکتهای بزرگ و کوچک مورد آزمون قرار گرفته است .

۸- جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل تمام شرکتهایی که در بورس اوراق بهادار تهران می باشند . در این پژوهش از معیار لگاریتم حجم دارایی ها برای طبقه بندی شرکتها به بزرگ و کوچک استفاده شده است بدین ترتیب که نخست لگاریتم خالص دارایی ها برای سه سال ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ شرکت های موجود در جامعه آماری محاسبه و سپس میانگین لگاریتم دارایی های سه ساله هریک از شرکتهای موجود محاسبه و میانگین لگاریتم کل دارایی های شرکت ها مقایسه می گردد آن شرکتهایی که لگاریتم دارایی های آن بیشتر از لگاریتم میانگین کل دارایی ها باشد به عنوان شرکت بزرگ و در غیر این صورت به عنوان شرکت کوچک شناسایی می گردد .

۹- نمونه آماری

در طی سالهای ۸۴ تا ۸۶ که قلمرو زمانی این پایان نامه می باشد با مراجعه به بورس اوراق بهادار تهران تعداد ۴۴۷ شرکت وجود داشت که به دلایل زیر پژوهشگر تعدادی از این شرکتها را از آنها خارج کرده است :

(۱) عدم ارائه صورتهای مالی توسط برخی شرکتها

۲) کامل نبودن برخی از اطلاعات در صورتهای مالی
 ۳) شرکتهای سرمایه گذاری در نمونه آماری در نظر گرفته نشده است چون این شرکتهای شامل سرمایه گذاری در سایر شرکتهای می باشد.

۱۰- آزمون فرضیات

آزمون فرضیه ۱

ابتدا نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق که عبارت بودند از: لگاریتم دارایی ها و هزینه های سیاسی ، و همچنین نسبت هزینه های سیاسی به درآمدها برای شرکتهای بزرگ و همین نسبت برای شرکتهای کوچک آزمون شده و نتایج آن بصورت جدول زیر می باشد :

جدول شماره (۱)

| نام آزمون | نام متغیر | تعداد | نتیجه |
|-------------------------|---|-------|----------------|
| چی اسکویئر ^۹ | لگاریتم دارایی | ۹۷۸ | ۱.000 نرمال |
| | هزینه های سیاسی | ۹۶۵ | 0.96 نرمال |
| | نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ | ۵۱۹ | 0.89 نرمال |
| | نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک | ۴۶۰ | 0.91 نرمال |

با توجه به اینکه عدد آلفا (۰,۰۵) می باشد و p -valu بدست آمده از نتایج آزمون ها بزرگتر از عدد آلفا می باشد در نتیجه ، توزیع تمام متغیرهایی که مورد آزمون قرار گرفته اند دارای توزیع نرمال می باشند .

فرضیه اول به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا بین هزینه های سیاسی و حجم دارایی های شرکتهای رابطه معنی داری وجود دارد یا خیر؟ بنابراین همبستگی میان اندازه شرکت و هزینه های سیاسی مورد آزمون قرار می گیرد :

فرض صفر: بین لگاریتم دارایی ها و نسبت هزینه های سیاسی به درآمدها همبستگی وجود ندارد (H_0)

فرض یک : بین لگاریتم دارایی ها و نسبت هزینه های سیاسی به درآمدها همبستگی وجود دارد (**H1**)

با استفاده از آزمون پیرسون (correlation-pearson) همبستگی بین اندازه شرکت سالها (که با لگاریتم حجم دارایی های شرکتها برای سال ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ اندازه گیری شده) و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد ها مورد آزمون قرار گرفته که نتیجه این آزمون به صورت جدول زیر می باشد :

جدول شماره (۲)

| نام آزمون | نام متغیر | تعداد | نتیجه |
|-----------|-----------------|-------|----------------|
| پیرسون | لگاریتم دارایی | ۹۶۵ | 0.683 |
| | هزینه های سیاسی | ۹۶۵ | |
| | | | همبستگی مستقیم |

بنابراین $p\text{ value}=0.683$ چون عدد $p\text{ value}$ از عدد آلفا (۰/۰۵) بیشتر می باشد در نتیجه فرضیه صفر رد می شود یعنی بین اندازه شرکت سالها (که با لگاریتم حجم دارایی های شرکتها برای سال ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ اندازه گیری شده) و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های این شرکتها، همبستگی مستقیم وجود دارد. یعنی با بزرگتر شدن اندازه شرکتها میزان هزینه های سیاسی آنها نیز بیشتر می شود.

پس از آزمون مربوط به فرضیه اول، از لگاریتم دارایی ها، میانگین گرفته شده و سپس شرکتهایی که لگاریتم دارایی های آنها از میانگین کل لگاریتم دارایی ها بیشتر بوده به عنوان شرکتهای بزرگ طبقه بندی شده و بقیه شرکتها به عنوان شرکتهای کوچک در نظر گرفته شده است سپس آزمون فرضیه اول بطور جداگانه برای شرکتهای بزرگ و کوچک به صورت زیر انجام شده است :

فرض صفر: بین لگاریتم دارایی های شرکتها بزرگ و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های آنها همبستگی وجود ندارد (**H0**)

فرض یک : بین لگاریتم دارایی های شرکتها بزرگ و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های آنها همبستگی وجود دارد (**H1**)

جدول شماره (۳)

| نتیجه | | تعداد | نام متغیر | نام آزمون |
|-------------------|-------|-------|------------------------------|-----------|
| همبستگی مستقیم | 0.960 | ۵۲۰ | لگاریتم دارایی شرکتهای بزرگ | پیرسون |
| | | ۵۲۰ | هزینه های سیاسی شرکتهای بزرگ | |

بنابراین $p \text{ value}=0.960$ بوده و چون عدد $p \text{ value}$ از عدد آلفا (۰/۰۵) بزرگتر می باشد فرضیه صفر رد می شود یعنی بین لگاریتم دارایی های شرکتهای بزرگ و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های آنها همبستگی وجود دارد یعنی فرضیه اول برای شرکتهای بزرگ به جداگانه نیز مورد قبول می باشد .

فرض صفر: بین لگاریتم دارایی های شرکتهای کوچک و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های آنها همبستگی وجود ندارد. H_0

فرض یک: بین لگاریتم دارایی های شرکتهای کوچک و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های آنها همبستگی وجود دارد H_1

جدول شماره (۴)

| نتیجه | | تعداد | نام متغیر | نام آزمون |
|-------------------|-------|-------|------------------------------|-----------|
| همبستگی مستقیم | 0.597 | ۴۶۱ | لگاریتم دارایی شرکتهای کوچک | پیرسون |
| | | ۴۶۱ | هزینه های سیاسی شرکتهای کوچک | |

با استفاده از آزمون پیرسون همبستگی بین متغیرهای لگاریتم دارایی های شرکتهای کوچک و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های شرکتهای کوچک مورد آزمون قرار گرفته که نتیجه عدد ۰/۵۹۷ را مشخص می کند ($p \text{ value}=0.597$) در نتیجه چون عدد $p \text{ value}$ از آلفا (۰/۰۵) بزرگتر می باشد فرضیه صفر رد می شود یعنی بین متغیرهای لگاریتم دارایی های شرکتهای کوچک و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های

شرکتهای کوچک ارتباط معنی داری وجود داشته و با بزرگتر شدن اندازه شرکتها هزینه های سیاسی آنها بیشتر می شود .

آزمون فرضیه دوم

در این تحقیق بررسی اینکه آیا بین نسبت هزینه های سیاسی به درآمد ها در شرکتهای بزرگ با این نسبت در شرکتهای کوچک تفاوت معنی داری وجود دارد یا خیر در فرضیه دوم مورد آزمون قرار گرفته است:

فرض صفر: بین نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ با نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک تفاوت معنی داری وجود ندارد H_0
فرض یک: بین نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ با نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک تفاوت معنی داری وجود دارد H_1
که نتایج آزمون به صورت جدول زیر می باشد :

جدول شماره (۵)

| نام آزمون | نام متغیر | تعداد | نتیجه |
|-----------|---|-------|-------|
| پیرسون | نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ | ۵۲۰ | 0.838 |
| | نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک | ۴۶۰ | |

نتیجه آزمون نشان می دهد (p value=0.838) و چون عدد p value از عدد آلفا (۰/۰۵) بیشتر می باشد در نتیجه فرضیه صفر رد می شود و می توان گفت که بین نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ با نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک تفاوت معنی داری وجود دارد. به طور خلاصه اینکه روند افزایش هزینه های سیاسی در شرکتهای بزرگ نسبت به شرکتهای کوچک سریعتر بوده یعنی با بزرگتر

شدن شرکتها هزینه های سیاسی آنها نیز بیشتر شده بنابراین میزان و نسبت هزینه های سیاسی در شرکتهای بزرگ با همین نسبت در شرکتهای کوچک متفاوت می باشد .

۱۱- نتیجه گیری

فرضیه های این پژوهش همبستگی بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکتها را بررسی می کند و میانگین خالص دارایی های سه سال ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و لگاریتم دارایی های سه سال در این پژوهش به عنوان اندازه شرکت گزینش شده است به این معنی که با افزایش حجم دارایی های شرکتها هزینه های سیاسی آنها نیز افزایش می یابد و با کاهش حجم دارایی های یک شرکت ، هزینه های سیاسی آن شرکت نیز کاهش می یابد .

نتایج بدست آمده نشان می دهد که بین اندازه شرکتها و هزینه های سیاسی آنها همبستگی با ضریب ۰/۶۳۸ (جدول شماره ۲) وجود دارد و این همبستگی در واحدهای بزرگ با ضریب ۰/۹۶۰ (جدول شماره ۳) می باشد و در واحدهای کوچک ضریب همبستگی ۰/۵۹۷ (جدول شماره ۴) می باشد بر اساس یافته های تحقیق میانگین دارایی ها و میانگین هزینه های سیاسی در شرکتهای بزرگتر بیشتر از میانگین دارایی ها و هزینه های سیاسی در شرکتهای کوچکتر می باشد بدین معنی که هر چه دارایی های یک شرکت افزایش یابد هزینه های سیاسی بیشتری نیز متحمل می شود.

بر اساس یافته های پژوهش برخی از اقلام هزینه های سیاسی همچون مالیاتهای تکلیفی و حق بیمه کارفرما بر اساس قوانین و مقررات بر شرکتها تحمیل می گردند و شرکتها نیز ناگزیر به تحمل آنها می باشند به عبارت دیگر این هزینه ها ، هزینه های غیر قابل اجتناب و غیر قابل کنترل می باشند اما بخش دیگری از هزینه های سیاسی همچون کمک به ورزش و کمک به فضاهای آموزشی و یا کمک به سایر نهادها و ارگانها از نوع اجباری نبوده و اختیاری می باشد بنابراین این بخش از هزینه ها قابل کنترل و قابل اجتناب می باشند و برای کاهش بهای تمام شده محصولات و خدمات و افزایش توان رقابتی داخلی و بین المللی لازم است که مدیران مسئول آن، مراکز هزینه های سیاسی را شناسایی نمایند .

البته در حذف و کاهش این اقلام از هزینه های سیاسی می بایست به اثرات بلند مدت آن نیز توجه شود و با دقت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند زیرا در برخی از موارد ممکن است اثرات منفی آتی اجتناب از این نوع هزینه ها از منافع حذف و یا کاهش آن بیشتر باشد موضوع ارتباط بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکت که در این تحقیق قبول گردیده است بیانگر این است که در سطح داخلی و ملی کلیه شرکتها (بدون توجه به اندازه آنها) هزینه سیاسی متحمل می شوند بنابراین هر شرکتی به اندازه دارایی های خود این نوع هزینه هارا تحمل و به محصولات و خدمات تسهیم می نماید بر این اساس در سطح درونی می بایست تلاش شرکتها در کاهش بخش قابل کنترل و قابل اجتناب باشد و در سطح رقابت بین الملل، دولت می تواند برای پشتیبانی از شرکتهای فعال در سطح بین الملل هزینه های سیاسی اجباری آنها را بوسیله کاهش نرخ مالیات تکلیفی کاهش دهد.

یکی دیگر از نتایج ناشی از این تحقیق به موضوعات اثرات اجتماعی فعالیت های اقتصادی و دامنه نظارت دولتی برای توزیع دوباره ثروت مربوط می گردد با قبول رابطه بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکتها و تعریف هزینه هایی به عنوان فعالیت های موفق برای توزیع دوباره ثروت در جامعه می توان نتیجه گرفت که در ایران فعالیت های توزیع دوباره ثروت بدون در نظر گرفتن اندازه شرکت در بر گیرنده کلیه شرکتهای فعال اقتصادی بوده و کلیه شرکتهای فعال به نحوی در افزایش ثروت جامعه نقش دارند برای اینکه همه شرکتها فعال در پیرامون اقتصادی به ناچار می بایست هزینه های سیاسی را بر اساس اندازه شرکت تحمل نمایند

فهرست منابع

- (۱) بنی مهد، بهمن- نیکو مرام، هاشم (۱۳۸۷) - تئوری حسابداری - انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- (۲) علی مدد، مصطفی و ملک آرائی، نظام الدین- اصول حسابداری جلد اول چاپ نهم مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی
- (۳) عالی ور، عزیز (۱۳۷۶)- صورت گردش وجوه نقد مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی

- ۴) شباهنگ، رضا (۱۳۸۱) - تئوری حسابداری جلد دوم انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی
- ۵) پور حیدری، امید و همتی، داوود (۱۳۸۳) بررسی قرارداد های بدهی، هزینه های سیاسی، طرح پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران - بررسی های حسابداری و حسابرسی سال یازدهم شماره ۳۶ تابستان
- ۶) بنی مهد، بهمن (۱۳۸۲) رویکرد نظری گزارشگری ارزش افزوده - مقاله ارائه شده در هفتمین همایش سراسری حسابداری ۷- نورانی حسین - ۱۳۸۶ تاثیر هموار سازی سود بر بازده شرکتهای - مجله حسابداری - شماره ۱۸۶
- ۷) سوری، زهرا (۱۳۸۴) بررسی مدیریت سود سرمایه گذاری و تغییرات سود نقدی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز)
- ۸) فیروزی، رحیم (۱۳۷۷) بررسی هزینه های سیاسی در شرکتهای مازندران و راه کارهای تعدیل این هزینه ها - (پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری - دانشگاه مازندران)
- ۹) سجادی، سید حسین و جلیلی امیر (۱۳۸۶) - حسابداری زیست محیطی مجله حسابداری شماره ۱۸۶
- 10) Craig, Deegan (2003) -financial accounting theory Australia Mc Graw -Hill NO.1
- 11) Zimmerman, Jerold L. - Ross L.Watts (2008) Positive accounting theory political costs and social disclosure analyse
- 12) Darrrough. N. M & Pourjali.H & saudagaran .s (1998) "eening management in japans companies" the international journal of accounting
- 13) Yangsen, kim & caixig liu and s .chon rhee 2003 " the relation of earning management to firms size " www.2 hawaii.edu.pp5
- 14) chirstopher.c.lkin , (2003) " political cost influences on the determinants of non - audit serricice . theAustralian national uneversite Canberra -www.eco comm. And. Edu.au

- 15) Riahi Belkaoui , Ahmad (2000) "accounting theory " NO.1.
- 16) Watts, Ross and Jerold Zimmerman (1986) " positive accounting theory "NO.1.
- 17) Henderson Scott (1990) "Financial accounting theory"NO.1.
- 18) William Scott . (2003) "Financial accounting theory" NO.2. Prentic Hall
- 19) Godfrey Jayne, and Sons Australia (2003) "accounting theory" john Wiley
- 20) Arnold, P (1990)" the state and political theory in corporate social disclosure research: a response to Guthrie and parke, advances in public interest accounting "vol 3
- 21) Solomons , D(1978) " The politicization of accounting " journal of accounting November

یادداشت‌ها

-
- ¹ Zimmerman
 - ² Digan & hallam
 - ³ Pancha paksan and mackinon
 - ⁴ Darrough,1998
 - ⁵ Godfrey & jones , 1999
 - ⁶ Marks. J.Mihne
 - ⁷ Solomons
 - ⁸ Arnold,1990
 - ⁹ Chi- Square

